

(تاج آسیا)

آه ای وطن تو را به کدام نام یاد کنم
 آخر بگو ، چسان دل ناشاد ، شادکنم
 شب ها میان خلوت هجرت به گوشه ها
 یادی ز تو نموده ، ز درد فریاد کنم
 شترین تر از تو ، هیچ نشود جستجو وطن
 کجا روم به کدام بیستون ، ناله فرهاد کنم
 دور از تو مُلک غیر قفس آهنین ، و من
 مرغ شکسته بالم ، ز پرواز یاد کنم
 غربت حقیر ساخته مرا ، پیش چشم غیر
 خاکم بگو ، چه خاک بسر و سینه باد کنم
 بنیاد من ز جور و جفا ، آز و کین ، سوخت
 بر بادی را چگونه ، کجا ، آباد کنم
 من رانده ای درمانده ای بی خاتمان شدم
 آخر کجا روم ، به کی ، از ظلم داد کنم
 پرنده ها ، به تیر ستم گشته اند هلاک
 شاهین را خبر ز کمین صیاد کنم
 اگر ترا ندیده بمیرم ، ای زادگاه !
 در گور فغان نموده ، ترا باز یاد کنم
 ای خطه ای اسیر نامردان و ناکسان
 وقتی شوی آزاد ، دل خود شاد شاد کنم
 روزی اگر دوباره شوی تاج آسیا
 رنگ نشاط به چهره (ناتور) بآد کنم